

تنها با اتحاد و تشکل به دستگیری زندان می توان پایان داد

رضا رشیدی

چهارشنبه یازدهم دی ۱۳۸۷

سرمایه داران حاکم بر ایران و دولت حامی شان برای کسب سود بیشتر ، فقر و فلاکت روز افزون را بر دوش میلیونها مردم کارکن و زحمتکش تحمیل کرده اند . قراردادهای موقف و سفید امضا ، ناامنی محیط کار ، پایین نگه داشتن سطح دستمزدها و نپرداختن به موقع آنها ، اخراج و بیکارسازی تحت عنوان بازخریدی و تحمیل قانون کار ارتجاعی و ضدکارگری ، بازداشت و زندانی کردن کارگران و مردم متعرض ، سیاستها و عملکرد جمهوری اسلامی در طول حیات سی ساله اش بوده است .

طی روزهای گذشته اتفاقات و رویدادهای بسیار با اهمیت در جدال بین کارگران و طبقه سرمایه دار در ابعاد بسیار وسیعی روی داده است . اعتراض و اعتصابات مهمی به وقوع پیوسته است ، اعتراض کارگران صنایع فلزی و اقدام جسورانه آنان در به محاکمه کشیدن کارفرمای کارخانه ، اعتصاب کارگران گلدستون اردبیل ، مبارزه و اعتراض پیگیر کارگران لاستیک البرز از جمله رویدادهای مهم چند روز گذشته بود . کارگران متشکل در چندین تشکل کارگری و تعدادی از کارگران شاغل در مراکز تولیدی و خدماتی بیانه ای صادر کردند که در آن خواهان افزایش دستمزد متناسب با سطح تورم و یک زندگی شایسته انسان شدند و کمپین طومار افزایش دستمزدها را ارائه داده اند من در نوشته کوتاهی قبلاً به نقاط قوت این کمپین در متشکل کردن کارگران و سراسری کردن اعتراضات کارگری اشاره کردم .

مسئله مهم دیگر طرح حذف افزایش سالانه دستمزدها که بخشی از طرح حذف سوبسیتها ست که احمدی نژاد به مجلس خواهد برد و اولین اثر مخرب و ضدکارگری این طرح کاهش حداقل ۵۰٪ حقوق کارگران است . اتفاق مهم دیگر که کاملاً مرتبط با اعتراضات کارگری و ارائه کمپین افزایش سطح دستمزدها و حقنه کردن طرح حذف افزایش دستمزدهاست ، دستگیری کارگران متعرض و فعالین کارگری می باشد از یک طرف طرح ضد انسانی را به جامعه می خواهند تحمیل کنند و از طرف دیگر در مقابل کمپین افزایش دستمزدها جامعه و فعالین کارگری را به عقب نشینی و ادار سازند ، دستگیری بیژن امیری ، محسن حکیمی اعضای کمیته هماهنگی و بختیار رحیمی عضو کمیته پیگیری که قبلاً نیز بازداشت و زندانی شده بود و همچنین ابراهیم مددی از شرکت واحد و چند نفر دیگر در همین راستا صورت گرفته است . طی دو هفته گذشته نیز پنج تن از اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه به جرم دفاع از حقوق مسلم کارگران دادگاهی شدند .

جمهوری اسلامی در مقاطع مختلف از جمله روزهای قیل از اول ماه مه هر سال ، ۸ مارس و شانزده آذرها اقدام به احضار و دستگیری فعالین کارگری و سایر فعالین جنبش های اعتراضی مینماید و این بار بر بستر یک حرکت اعتراضی مداوم نسبت به پایین بودن سطح دستمزدها که در جامعه جریان داشت ، کمپینی شکل گرفته که با توجه به نقاط قوتی که دارد میتواند یک قطب نیرومند کارگری را حول خودش متمرکز و متشکل کند و در تقابل با حکومت سرمایه

داران برای طبقه کارگر تکیه گاه نیرومندی باشد، و همین نقاط قابل اتکا و متشکل کننده و اعتماد به نفس آفرین است که سرمایه داران و عوامل انتظامی شان را این چنین آشفته و سراسیمه کرده که اقدام به دستگیری گسترده فعالین کارگری کرده است.

جنبش کارگری و آن بخشی که مربوط به توده کارگران است در سطح وسیع و تعرضی در جریان است گاهی متشکل و متحد و گاهی غیر متشکل، نمونه های بسیاری را در طی دوره اخیر میتوان برشمرد اما بخشی از جنبش کارگری که مربوط به فعالین کارگری و کمیته ها و تشکل های فعالین کارگری میباشد متأسفانه با سرگرم کردن خود در مسائل حاشیه ای و فرقه ای هر روز فاصله خود را از منفعت کارگری دور میسازد. هر کدام از این تشکلهای موجود کارگری و فعالین کارگری منفرد در رابطه با مبارزات کارگران هفت تپه، شرکت واحد، کیان تایر، نساجی های کردستان بارها اطلاعیه و بیانیه حمایتی صادر کرده اند و سعی نمودند به نوعی در مبارزه کارگران سهیم باشند اما متأسفانه طرح کمپین دستمزدها با سکوت این تشکل ها و فعالین آنها روبرو شد، کمپینی که امضا کنندگان آن همان مراکز تولیدی خدماتی هستند که این کمیته ها برایشان کمپین گذاشتند و متأسفانه این بار سکوتشان، این جبهه را ضعیف و در مقابل دست رژیم را باز میگذارد که در پی شکست این مطالبه مهم کارگری، تعرض به کل جنبش کارگری و فعالین آن را افزایش دهد.

تا زمانی که این تشتت و فرقه گرایی در بخشی از جنبش کارگری که مربوط به فعالین کارگری و کمیته های کارگری کنونی است وجود دارد و منفعت کارگر و مبارزه بی امان و هر روزه اش قربانی مصلحت حقیر فرقه ای میشود، جمهوری اسلامی با دست بازتری به دستگیری کارگران و خود این فعالین خواهد پرداخت، دست درازی سرمایه داران و عواملشان به کل جنبش کارگری را فقط با حرکت متشکل و سراسری میتوان پایان داد.

کارگران متعرض وکل طبقه کارگرایران مطالبات پایه ای زیادی دارند، اما آنچه که امروز قابلیت متشکل کردن کارگران و خانواده هایشان را دارد و کل مزد بگیران با آن روبرو هستند و بقایشان به آن بستگی دارد مسئله افزایش سطح دستمزدها و پرداخت به موقع آن است. حرکت متشکل کارگران هفت تپه و خانواده هایشان در حمایت از نمایندگان کارگران در مقابل دادگاه بود که توانست جلوی زندانی کردن کارگران را بگیرد بستر چنین اتحاد و تشکل مسئله دستمزدها بود.

اگر میخواهیم به تاریخ شکنجه و سرکوب و زندان پایان دهیم باید تنها منفعت کارگران را مدنظر قرار دهیم فرقه گرایی و لجبازی و ایجاد پراکندگی و اغتشاش در صفوف اعتراض و مبارزه کارگران دودش چشم فعالین کارگری را خواهد سوزاند. باید برای هر مطالبه کارگری پا به میدان مبارزه گذاشت، متحد کرد، متشکل کرد و در مقابل سرمایه داران ایستاد.

دست جمهوری اسلامی از تعرض و دستگیری فعالین کارگری کوتاه

پیش بسوی ایجاد اتحاد و تشکل حول کمپین افزایش دستمزدها

زنده باد اتحاد کارگری

رضا رشیدی ۱۱ دی ۸۷